

آمریکا ستیزی یا ایران ستیزی؟!؟

مقاله ای کوتاه از آقائی بنام «محسن رنانی» استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان در صفحات مجازی منتشر شده که نویسنده طی آن با این پیش فرض که «رویکرد آمریکا ستیزی موجود در جمهوری اسلامی امری ناصواب و پرهزینه است» پرسش هائی را بمنظور اثبات فرضیه خود مطرح کرده تا در انتها بتواند به مخاطب گوشزد کند بجای مبارزه با آمریکا بهتر است مشکلات داخلی خود را حل کنیم.

نامه مزبور از حیث محتوا قرینه مقاله مرحوم «علی اکبر سعیدی سیرجانی» است که ۳۰ مرداد ۶۸ تحت عنوان «نکته» در روزنامه اطلاعات منتشر شد و در آن تاریخ موجی از اعتراض را نزد محافل سیاسی در ایران دامن زد.

اُمّهات دواعی سیرجانی در مقاله «نکته» شامل مفادی از قبیل ساده اندیشی در جنگ و مدیریت ناشایست آن در کنار مبارزه شعاری با آمریکا در حین استعمال سیگارهای وینستون آمریکائی! و عدم اداره مملکت بر محور خردمندی در کنار توصیه به اعتلای «ایران» و زمامداری در محدوده و جغرافیای آن بجای پرداختن به اوج افلاک بود. اکنون و ۲۷ سال بعد از انتشار مقاله سیرجانی، این بار آقای رنانی از موضعی مشابه و بزعم شان بمنظور زیر سوال بردن رویکرد مبارزه جویانه جمهوری اسلامی با ایالات متحده آمریکا اقدام به طرح پرسش های زیر کرده تا از آن طریق بتواند آمریکا ستیزی جمهوری اسلامی را بلاوجه نشان دهند!

سوالاتی نظیر آنکه:

- با چه منطقی ما باید سرسخت ترین دشمن آمریکا باشیم؟
- هزینه این دشمنی برای ما چقدر است؟
- آیا اقتصاد ما توان پرداخت هزینه این جنگ سرد با آمریکا را دارد؟
- این جنگ تا چه زمانی باید ادامه پیدا کند؟
- آیا اولویت های مهمتر از مبارزه با آمریکا برای ما وجود ندارد؟
- آیا هر کشوری که با آمریکا مبارزه نکند ، الزاما باید سلطه آمریکا را بپذیرد؟
- اگر ما دست از مبارزه با آمریکا برداریم شرف و استقلال ملت بر باد می رود؟
- چرا جور مبارزه با استکبار جهانی فقط باید بر دوش ما باشد؟
- آیا همان طور که آمریکا نیازمند دشمن است ما هم نیازمند دشمن هستیم؟

– اگر چنین است چرا دشمنی هم قد خودمان انتخاب نمی کنیم که ضررش اینقدر هنگفت نباشد؟

رنانی در انتهای پرسش های خود اظهار داشته:

نگارنده نه مرعوب قدرت آمریکاست و نه فریب خورده آن است، و نه منکر ضرورت وظیفه انسانی مبارزه با بی عدالتی و ستمگری است، اما اعتقاد دارد حل مشکلات مهم کشور مثل رکود اقتصادی، بیکاری، فساد مالی، آسیب های اجتماعی، نا کارآمدی و ... در کشوری که طول و عرض و ارتفاع آن در اختیار ماست به مراتب آسان تر از مبارزه ما با بزرگترین قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی و تکنولوژی دنیاست. بنابراین بهتر نیست، ما با صرف منابع و توان محدود خود برای انجام کارهای آسان تر و ضروری تر مثل حل مشکلات داخلی، که همه عوامل آن در اختیار و کنترل ماست، لیاقت و توان خود برای انجام کارهای سخت تر مثل مبارزه با آمریکا را به دنیا ثابت کنیم؟

با عنایت به جمیع دواعی آقای رنانی در یک جمله می توان به ایشان پاسخ داد مبنی بر آنکه:

هر چند جنابعالی حسب اذعان تان نه مرعوب قدرت آمریکائید و نه فریب خورده آن اما قطعاً در موضوع مزبور مغلوب جهل خودتان می باشید!

جهلی که اثبات آن تنها در گرو یک پرسش ساده است و آن این که از کدام «آمریکا ستیزی» صحبت می کنید؟! آیا اساساً به عنوان یک استاد دانشگاه می دانید معنای آمریکا ستیزی چیست؟

آقای رنانی و خلف و سلف ایشان آقای زیباکلام و امثال ایشان در حالی مدام بر طبل مذمت آمریکاستیزی توسط جمهوری اسلامی می کوبند و در حالی مستمراً بر مزار این قبر می گریند که اساساً موجودیتی ندارد و قبری خالی از متوفی است!

مزید اطلاع ایشان معروض می دارد آمریکا ستیزی مشتمل بر مختصات است که امهات آن را می توانند در دوران جنگ سرد و طی کشاکش رقابت و خصومت و ستیز سیاسی در حد فاصل مسکو تا واشنگتن از حافظه تاریخ استخراج نمایند.

امهاتی نظیر ماجرای خلیج خوک ها و اولتیماتوم هسته ای آمریکا به شوروی یا ماجرای هواپیمای یو ۲ در کنار تاسیس سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در مصاف با پیمان نظامی همیاری اروپای شرقی (ورشو) و ایضاً رقابت تسلیحات هسته ای شوروی و آمریکا که منجر به سالت ۱ و سالت ۲ شد و لیست بلند بالائی از این قبیل که می توان

جملگی آنها را ذیل رویکرد آمریکا ستیزانه اتحاد جماهیر شوروی در مصاف و مبارز طلبی با ایالات متحده آمریکا فهم و معنا کرد.

اکنون پرسش آن است طی ۳۸ سال گذشته جمهوری اسلامی ایران جز شعار مرگ بر آمریکا و آتش زدن پرچم این کشور کدام اقدام عملی را علیه ایالات متحده مرتکب شده که بتوان چنان اقدامی را قرینه رفتار آمریکا ستیزانه پایوران ایران محسوب کرد؟! این اسباب تحیه^۱ -ر توام با تاسف است که اساتید دانشگاه در ایران تا این اندازه بدون مطالعه و هیستریک موضوعات سیاسی کشورشان را مورد ارزیابی قرار می دهند.

خیر جناب رنانی! صورت مسئله را یا نفهمیده اید و یا آن را غلط تعریف کرده اید.

ماجرا آنی نیست که جنابعالی و امثال جنابعالی از افسانه آمریکا ستیزی جمهوری اسلامی ایرن مراد می کنید.

صورت مسئله ساده است و آن اینکه در بهمن ۵۷ در ایران انقلابی شد و با پایان دادن به نظام سلطنت و قطع مناسبات کهتری - مهتری بین تهران و واشنگتن، حکومتی در ایران برقرار شد که برخلاف رژیم گذشته مصمم بود زیستی مستقلانه و بیرون از مناسبات ارباب - رعیتی تحت لایسنس آمریکا را با رویکردی خودباشانه وجه همت خود قرار دهد. این رویکرد بسیار ساده در عین حال اتهامی بسیار بزرگ برای ایران و از جانب آمریکائی محسوب می شد که پیش از این به اعتبار مساعی جمیله اش توانسته بود هژمونی و نظم و سلطه سیاسی و فرهنگی و نظامی خود را بر جهان تحت تیول خود مستقر نماید و آنک حکومتی نوپا که توانسته بود یکی از قوی ترین حکومت های تحت تیول کدخدا را در غرب آسیا به زیر بکشد نمی خواست تن به این نظم کدخدائی داده و مٌصر بر زیست مستقلانه اش بود.

جناب آقای رنانی - جمهوری اسلامی کجا آمریکا را به ستیز کشید؟ جز آن است که از ابتدای تاسیس این دولتمردان واشنگتن بوده اند که بمنظور کارشکنی در مسیر حکومتی که بنا به هر دلیلی نمی خواست و نمی خواهد قد رعنا^۲ی خود را با گونیای کدخدا گز کند ناجوانمردانه و بمنظور مهار و متابعت اش متوسل به هزاران ترفند و نیرنگ و توطئه و دسیسه و کارشکنی و تهدید و تحریم و جنگ نیابتی علیه این ایران سرکش و ناملتزم به نظم کدخدا شده اند؟!

آقای رنانی - تنها اتهام جمهوری اسلامی واکنش نشان دادن به کُش های ایران ستیزانه آمریکا و پدافند از خود در مقابل آفندهای

زیاده خواهانه و دشمنانه آمریکا بوده و می باشد!
آیا این خواست نامتعارفی است که یک کشور بخواهد بدون آقا بالاسر و مستظهر به فرهنگ و ملت و هویت خود مانائی و مُلکداری کند؟
آیا این ناجوانمردی نیست که این کشور و این ملت نجیب ۳۸ سال برای خودباشی اش در مقابل ایران ستیزی آمریکا پایمردی کند و هزینه پردازد و آنک از درون، اساتید دانشگاه های شان پشت ایشان را خالی کرده و به جفا با چشم بستن بر ایران ستیزی آمریکا، پایوران کشورش را متهم به آمریکا ستیزی کنند؟

خیر جناب رنانی - این کمال ناجوانمردی است که کشورت زیر ضربات سهمگین و مشت های سنگین و خرد کننده «حریف» سخت جانی و دفاع و استقامت کند و آنگاه از داخل و توسط اساتید دانشگاه متهم به آمریکا ستیزی و ترغیب به سپر انداختن شود!
کدام آمریکا ستیزی؟ همه حرف آمریکا به ایران طی ۳۸ سال گذشته در پاسخ به نیل زیست خودباشانه و مستقلانه جمهوری اسلامی آن است که نمی توان در مناسبات بین المللی کدخدا محور، ساز مخالف زد!
همه حرف آمریکا به جمهوری اسلامی و همه ایران ستیزی آمریکا ناظر بر این بداهت است که برسمیت شناختن زیست مستقلانه جمهوری اسلامی بدآموزی دارد و چنین مجالی تا آن اندازه استعداد دارد تا مبدل به الگوئی قابل اپیدمی نزد دیگر ملت ها و کشورها در منطقه شود تا ایشان را نیز به صرافت «منم می خام» بیاندازد!

آقای رنانی - از کدام آمریکا ستیزی صحبت می کنید؟
همه حرف ایران به آمریکا آن است که «میشه بسه!» میشه لطفا شرتان را از سر ما کم کنید و اجازه دهید ایرانیان بیرون از مناسبات و مطالبات و مطامع و منویات کدخدائی تان، خودباشانه زندگی کنند!

جناب رنانی! مطالعه تاریخ برای عبرت است نه تفرجگاهی برای اوقات فراغت!

جناب رنانی با تعبیر حضرتعالی آیا نباید معترض فرزند رسول الله نیز شد و کوفیان را مانند امروز حضرتعالی مستحق دانست تا حسین ابن علی را بر سکوی شماتت نشانند و بدآنگونه خطابش کنند که:

- با چه منطقی ما باید سرسخت ترین دشمن فرزند معاویه باشیم؟
- هزینه این دشمنی برای ما چقدر است؟
- آیا اقتصاد ما توان پرداخت هزینه این ستیز با امویان را دارد؟
- این جنگ تا چه زمانی باید ادامه پیدا کند؟
- آیا اولویت های مهم تر از مبارزه با فرزند مرجانه برای ما وجود

ندارد؟

- آیا اگر با یزیدیان نجنگیم ، لزوما باید سلطه آنها را بپذیریم؟
- چرا جور مبارزه با سپاه اموی فقط باید بر دوش ما باشد؟
- چرا دشمنی هم قد خودمان انتخاب نمی کنیم که ضررش اینقدر هنگفت نباشد؟

همان گونه که آن ناجوانمردان در توجیه خیانت خود با چنین شبهاتی آن دُردانه را بر سکوی شماتت نشانده و آنگونه به بهانه «می خواهیم زندگی کنیم و حالش را ببریم» فرزند رسول الله را در کربلا قربانی وادادگی و عافیت طلبی خود کردند!

جناب رنانی - مگر غیر از این است که در تراژدی کربلا نیز همه حرف یزید به حسین ابن علی آن بود که در دو گانه «بیعت یا شهادت» یا باید با من بیعت کنی و اقتدار و اعتبار من و حکومت را برسمیت بشناسی و یا تن به جنگ و قتال و «نبود باشی» دهی؟

جناب رنانی - مگر غیر از این است که فرزند رسول الله بعد از عهد شکنی کوفیان ضمن استنکاف از بیعت با فرزند معاویه پیشنهادش آن بود که تو به راه خود برو من نیز حاضرم علی رغم عدم بیعت و عدم برسمیت شناختن حکومت ات به راه خود رفته و زیست مستقل بیرون از اقتدار تو و حکومت تو را دنبال کنم؟

مگر غیر از این است که یزید ابن معاویه نیز مانند امروز کدخدا نمی توانست تن به زیست مستقلانه و بیرون از بیعت و متابعت حسین ابن علی بدهد تا از آن طریق این بدآموزی به دیگران منتقل نشود که می توان ذیل اقتدار امویان زیست اما تن به بیعت با ایشان نداد؟!

جناب رنانی با قرائت حضرتعالی «حسین بن علی» را نیز باید به یزید ستیزی بلاوجه متهم کرد؟!

آیا نمی دانید یا تظاهر به غفلت می کنید که «ستیز در کربلا» انتخاب «حسین» (ع) نبود؛ اجبار ایشان بود؟!

خیر جناب رنانی!

جمهوری اسلامی برخلاف خوانش مُعَوَّج جنابعالی و هم فکران جنابعالی متهم به آمریکا ستیزی نیست. همان طور که حسین ابن علی نیز متهم به یزید ستیزی نیست و این دو در مقام پایمردی و استقامت شان برای زیست خودباشانه شان در مقابل حسین ستیزی دیروز «یزیدیان» و ایران ستیزی امروز «آمریکائیان» تنها از خود دفاع کردند و می کنند! (*)

بالغ بر ۳۸ سال است که واشنگتن به اعتبار ماهیت استقلال طلبانه و

از ناحیه ظرفیت‌هایی که انقلاب خمینی برای به چالش کشیدن هژمونی آمریکائی‌ها از خود نشان داده ایران را در وضعیت مشابه ترازوی کربلا قرار داده و همه حرف‌شان نیز آن است که باید تکلیف خود را با اقتدار و اعتبار ما آمریکائی‌ها روشن کنید؟

نمی‌توانید اعتبار و اقتدار و نظم تعریف شده و حاکم شده و جهانی شده آمریکا را از طریق زیست مستقلانه خود به چالش کشیده و از رسمیت بیاندازید.

یا باید به اقتدار و اعتبار کدخدا و نظم جهانی‌اش تن دهید و یا روغن سرکوب و جنگ و تحریم‌های اقتصادی و تهدیدهای نظامی و «ایران ستیزی» را بر تن خود بمالید!

جناب رنانی - متأسفانه شیپور را از سر گشادش می‌دمید. آنچه که حضرتعالی آن را آمریکا ستیزی ایران می‌نامید چیزی نیست جز ایران ستیزی آمریکا و واکنش و دفاع و پدافندی است از جانب جمهوری اسلامی در مقابل کنش‌ها و تهاجمات و آفندهای ناجوانمردانه آمریکا به تمامیت و موجودیت خودباشانه و مستقلانه ایران و ایرانیان!

جناب رنانی متأسفانه فرمایش تان مسموع نیست! همان طور که نامه بهمن ماه ۹۴ تان به شورای نگهبان نیز مسموع نبود و مقبول نیفتاد و سندی شد از تبلور تحلیل‌ها و گمانه زنی کاملاً انتزاعی و تخیلی و رویا اندیشانه و عاری از واقع بینی روشنفکرانی که از فهم بدیهیات دنیای سیاست عاجزند!

* - آمریکاشناسی و آمریکانشناسی